

## *In the name of Allah, the beneficent, the merciful*

مقدمه رساله 5: (امت وسط یا امت بهینه)، اعمال سلايق بجای بهینه سازی ، غیر مفید و غیر ضرور  
برای عدالت اجتماعی

### **Introduction of treatise 5: applying tastes instead of optimization, non-useful and non-necessity for social justice (The middle Ommat or the Optimum Ommat)**

یکی از مشکلات مهم در سراسر جهان و مبتلابه تمام کشورها اینست که با سوء استفاده از کلام حقیقی ، سلايق خود را اعمال میکنند! و همین سلايق موانع بزرگی در مقابل توسعه پایدار و دیوار بلندی برای برای عدم ایفای قاعده "تکالیف - حقوق - ظهور مصادیق" و سایر قواعد نجات بخش مدیریت قواعد دانش مفید (UKRM) است ، مثلاً بر اساس کارایی پارتو (Pareto efficiency) یا بهینگی پارتو یک مفهوم پر اشکال ، منظور از بهینه سازی یک تابع کمینه یا بیشینه کردن از عملکرد اقتصادی بکار میرود، آیا کمینه سازی (Minimizing) و بیشینه کردن (Maximizing) فی نفسه ، معیاری درست و حقیقی برای سامانه های ضرور اجتماعی است؟! و یا معیاری خطرناک و مرگبار برای دنیائی از شادی های مرگ آور و داروهای نشئه آور و رگه های ناپیدای خطر آزادی جنسی ، افزایش قدرت بجای تراز بندی قدرت ها ، چاپ اسکناس های بدون پشتوانه ، سرگرمی های غیر ضرور ، تبلیغات هوس آلود و تحریص کننده رسانه ها، قصه سازی تشدید کننده غیر ضرور ، اختراع های مضر ، مارک ، مد ، پول سازی با هر ترفند ، افزایش این خیال و وهم که هرکاری که ممکن است و برای سودا گر سود دارد میگوید ، انجام بده که همان فاکت ( fact ) است و افزایش روزافزون این نوع بهینه سازی ها و مخصوصاً در رقابت های ظالمانه بازار ، بدون توجه به عدالت ، کاهش فقر جهانی ، بدهکاری کشورها ، سلطه فناوری بر طبیعت مظلوم ، و صدها مصائب جهانی ، مضر به حال بشریت و تشدید مخاطرات انسانی بوده و دنیا را در کام اژدهای مرگ تدریجی برده است و این خطر به همه کشورها سرایت کرده و جریان های پنهانی را برای دول و ملل سازی و جاری ساخته است، ما به قواعد مسلم و استواری نیاز داریم که در هر کار کرد اجتماعی بتوانیم الگوریتم حقیقی و عادلانه برای بهینگی طراحی و ترسیم نمائیم، این ها وظایف اصلی دولت ، رسانه ها ، مسئولین و مردم بیدار است.

One of the most important problems around the world and be suffering of countries it is which is abusing the true word, apply your tastes! And the same is a huge obstacle to sustainable development and great wall for lack of rule” duties - Rights - Emergence of Implications “from rules of useful knowledge rules management (UKRM), for example: Based on Pareto Efficiency or Pareto’s Perfect concept full of problems, to optimize a minimum or maximum function use of economic performance, is it Minimizing or Maximizing inherently true and correct criterion

for the social system essentially?, and it is a dangerous criterion for mortal merry-making and Prophylactic drugs, molestation, Increasing power instead of balancing power, fiat money, non-essential amusements, Crazy and irritating media, unnecessary resonator storytelling, unusual inventions, Brand, fashion, money making with any trick, Increasing this fantasy and doing everything possible, so, he says, "do it, that's the same fact" no regard for justice, poverty in the world, liability of counties, technology dominance on the oppressed nature and hundreds of global passions, harmful to humanity and be aggravation hazard for people and the world has gradually taken the death dragon and have communicated to all countries and making many hidden currents for all governances and nations , therefore, we need to firm and sure rules about these matters that we can do in every social work design the true and fair algorithm for optimal design, these are the main tasks of the government, the media, the authorities and the people awake.

نویسنده و تحلیل گر : محمود صانعی پور : خیره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر

Author and analyzer: Mahmoud Saneipour: interdisciplinary expert and longlife learning (LLL), learned man



**Mahmoud Saneipour**

**Date:**

شعر رساله پنجم بنام " شکایت از خروس سحری " در انتهای این مقدمه

**The poem of Fifth treatise named"complaint from dawn cock "at the end of this introduction**

مقدمه رساله 5:

## Introduction of treatise 5:

فهرست مطالب :

### List of register:

1. مقدمه ( **The introduction of Fifth treatise:** ) صفحه 3
2. تعریف امت وسط (Definition of **The middle Ommat or the Optimum Ommat**) 5
3. امتی با چنین توصیف، وارث زمین است ( **A nation with such a description is the heir of the earth**) 8
4. الگوریتم حقیقی بهینه بر اساس مفهوم امت وسط برای قانون گذاری و تدریس در مراکز آموزش عالی ( **The optimal real algorithm based on the concept of the middle Ummah for Legislation and teaching in universities sees the principle of the treatise** ) 9
5. اشکالات بهینه پارتو ( **The problems of Pareto efficiency**) 10
6. بهبود پارتو و تئوری اقتصاد خرد ( رمز چپاول ثروت و حق مردم دنیا توسط نظام سرمایه داری!) Improving Pareto and microeconomic theory (the capitalist system's robbery of the wealth of the people of the world! ) 11
7. مرز پارتو ( قانون تحدید حدود غرب و فرار از تکالیف ذاتی در قبال بشریت و خالق انسانها) Pareto frontier (West End Limitation law and Escape from the intrinsic obligations to humanity and the human being) 12
8. مفهوم فکت کارناب ( **the concept of Karnab, s fact** ) 13
9. فرق حقیقی و واقعی ( **Real and truth difference** ) در انتهای این مقدمه بخوانید به زبان انگلیسی- صفحه 16
10. بهینه پارتو در ژنتیک چه اشکالاتی دارد (به اصل رساله مراجعه شود)- صفحه 13
11. آمایش بهینه سرزمین ، کشاورزی ، صنایع و خدمات (به اصل رساله مراجعه شود) صفحه 14
12. ارزیابی شش سیگما در بهینگی ناب (به اصل رساله مراجعه شود) صفحه 14
13. یک نمونه الگوریتم بهینه در اسلام (به اصل رساله مراجعه شود) صفحه 14
14. شکایت از خروس به دادگاه صفحه 14
15. حدیث کلام یا رقص کلام از این مولف – صفحه 19
16. به چی میخندی پس؟!؟! ( **What are you laughing so** ) ه صفحه 23

### The introduction of Fifth treatise:

کلام در ذات خود حقیقی است ولی انسان ها به سلیقه خودشان از کلام معنی کرده و مفهوم می سازند ، کلام چه موقع بصورت حقیقی خود استفاده میشود ( به حدیث کلام از این مولف در انتهای این مقدمه مراجعه شود) ، در بد استفاده کردن از کلام و دور زدن از حقیقت آن ( مثل دور زدن تحریم ها ) ، جنبش ضعیفی

در دنیا آغاز شده است که ما در راستای قواعد دانش مفید در صدد تشدید و فراخوانی آن هستیم ، از بهینه حرف میزنیم ، ولی بهینه عمل نمی کنیم ، از عدالت دادسختن می‌دهیم ، ولی سازمانی که داریم اداره می‌کنیم ، از عدالت برخوردار نیست ، از سلامت دفاع می‌کنیم ، ولی در خلوت های مدافعان ، خلاف صدها ضد سلامت مشاهده می‌کنیم ، در مورد تکلیف و حقوق مقاله می‌دهیم ولی به مصداق های عملی آن کاری نداریم نه حکمی با مصداق دارد و نه شاخصی و نه استانداردی ، خیلی از شادی های مرگ آفرین است ، و..... این تناقض ها و تضاد ها که مبنای مهمی برای شاخص سازی ، سیستم گذاری و اصلاح جوامع بشری است ، اگر بحال خودش رها شود ، کره زمین را بکام مرگ میبرد، که دارد میبرد!.

The word is intrinsically true but human is making concepts and meaning from word by its taste, when is the word actually used? (Refer to Insight of the “word” or insight of the “speech” (tales dance of words) at the end of this article), in bad use of the word and get revolve from truth, the weak movement has begun in the world that we will do it seeks to intensify its expansion in the way of UKRM, we are talking about optimal but we do not work optimally, we give justice to justice but we run the organization we have it does not have justice, we defend from health but in private of its defenders , we see unlike hundreds of anti-health, we write about duty and rights but we have nothing to those truth, there is no verdict, but an indicator or a standard, It's so deadly many merry-making, and ..... these contradictions that is an important basis for indexing, systemization and correction of human societies, if it is abandoned itself will the Earth dies to death, which it takes!

دنیا با ادای حق و حقوق جامع و متقابل درست میشود ، مدیر دانشمندی که خبره میان رشته بوده و از تقابل ، تقارن ، علت تراکی و بطور کلی قواعد و اصول مدیریت دانش مفید بهره مند باشد( به مقاله این مولف درمورد مدیریت مراجعه شود)، این حرکت جوهری در عقل و قلب وی رسوخ کرده و چنان هویتی و ماهیتی بوی میدهد که شیطان بزرگ قادر نیست ، در این اقیانوس دانش رخنه کرده و در آن به دزدی و غارت جواهرات و منابع کشور بپردازد ، ما هرچه میکشیم از نادانسی ، خدانشناسی و پول پرستی است ، رعایت دال و مدلول از طریق فلسفه و منطق ، همانند مثل افلاطونی است ، خود هیئت و ذات آنها ، در درون انسان است ، اگر این درون مهیای دریافت نباشد ، شما کار بدست چه کسانی می‌دهید؟ ، در اینجا پیر و جوان و میان سال و موضوع تقسیم امور به مصالح سنین ندارد ، یا پیدا کردن رگه های موئین تبه کاری به این آسانی ها نیست که حتی سیستم هوشمند هم از طریق تبه کاران ، سریع تر کشف و ضبط میشود ، آدم لازم است ، عنوان لازم نیست ، حتی مطالبات مردمی هم ، مسائل را حل نمی کند ، به آشوب میکشد که شرایط سخت تری نصیب کشورها میکند ، دانشمند منصف خود را ملاک مدیریت در همه ابعاد مادی و معنوی سنجش و تطبیق میکند ، در هر سازمان و یا مسئولیتی که چنین آدمی مدیر شد بروید استراحت کنید و نفسی راحت بکشید ، در غیر این صورت مسئولیت دادن به آدم های ناباب ، خواب را از شما میرباید .

The world is made up of the rights of the community and the mutual duties, the wise manager of the interdisciplinary scholar he can use from opposition, symmetry, accumulative causity and generally from UKRM) refer to my article about management) ,this is an immobile move be rooted In his wisdom's heart and mind and such a personality smells that the great devil is not able Into this ocean, knowledge has infiltrated and it deals with the thefts and jewelry in the country, what we are doing is ignorance, godliness and money-worshiping .....

موضوع این رساله با مداخلیل ، براهین واستدلالات لازم به این مهم پرداخته که اینک مقدمه آن پیش روی شماست ، همانطور که این مولف دربالغ بر 300 مقاله ورساله های لازم ، از مدل سازی های قواعد دانش مفید یاد کرده است ، در صدد است اثبات نماید که مثنی آسیب شناسی برای نیل به راه حل های اساسی الزامی است ولی آسیب شناسی برای نشان دادن ضعف های ملی وفراملی وگاهی سرکوب کردن مغرضانه ، اقدامی کوتاه نظرانه وهدف دار است ، آسیب ها به خوبی تضاد های اجتماعی را برای راه حل های اساسی نشان میدهد واین راه حل های اساسی مستلزم وجود خبرگی میان رشته ای وداشتن قواعد واحکام صادق واستفاده از همه تجارب بشری وموفقیت های جهانی میباشد ، که در قالب های دانش مفید تاکنون به رشته های تحصیلی در مراکز علمی تبدیل نشده وبا محتوای مرتبط به این دانش وسیع ، داده های لازم را پیدا نکرده واز کمبود مفسر حقیقی داده ها رنج برده وسیستم ها و رسانه ها وفعالیت های اقتصادی وسیاسی وغیره تقریباً تهی از این جوهر ناب است واین است رمز عقب ماندگی ها ، چالش ها ، بحران های کنونی ومصائبی که اکنون جهان را فراگرفته است .

The subject of this treatise by entrances, the reasons and necessary arguments that's what it is introduction front to you, as this author by more than 300 articles and necessary treatises, has mentioned from modeling of useful knowledge rules, he is trying to prove that Pathology is required for essential problems solution, but any Pathology for showing nation's weakness to suppress biased is an action as narrow-minded and objected, the Pathologies show social contrariety for essential problems solution and essential problems solution it is requires interdisciplinary expertise and having truth rules and commandments and Use of all human experience and global successfully, that didn't change to frameworks of useful knowledge yet in the scientific centers and by related to this vast knowledge didn't find necessary data and also suffered from lack of true interpreter and systems , medias , economic and politic activities and so on , approximately is lack from this pure essence and this is the secret of backwardness, challenges, now crisis and the scourges that have taken over the world now.

## 2. تعریف امت وسط

## 2. Definition of The middle Ommat or the Optimum Ommat

### Please translate below paragraph

مفهومی است در قرآن مجید در مورد ساختار سیاسی از کسانی که به خداوند متعال اعتقاد دارند و نظامی را در رابطه با امور اسلامی مدیریت میکنند، در این تعریف کلمه وسط به معنای معتدل، میانه، پسندیده و مطلوب بوده و حکایت از جامعه ای دارد که مشی اعتدال را سرلوحه مدیریت خود قرار میدهد، به عبارتی ساده تر یعنی نه افراط و نه تفریط (not extravagance and not dissipation)، دو طرف میزان و مناط مساوی را به ذهن متبادر میکند (نه صرفاً عددی)، آنچه دارای دو طرف مساوی باشد به تساوی نظیر عدل معنی تساوی نظیر واژه آجُر (مزد) 108 بار در قرآن آمده و به همین اندازه واژه فِعْلُ (کار) آمده است. و جزاء "کیفر - پاداش" 117 بار در قرآن به کار رفته و مَعْفِرَتٌ 334 بار، در نتیجه، مُزد با کار و حساب با عدل و داد در قرآن برابر آمده است. ولی آمرزش دو برابر کیفر به کار رفته است و این یکی از شگفتیهای تساوی و تناسب و توازن در آیات قرآن است (یعنی فقط برمبنای عدد ورقم نیست) (<https://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=934&articleid>).

اَمَّتْ وَیَكُونُ الرَّسُولُ عَلَیْكُمْ شَهِیدًا» آیات دیگری بدون استفاده از کلمه اَمَّتْ وسط با این موضوع در ارتباط است؛ مانند ۱۲۷-۱۲۹ بقره، تفسیر آیه ۱۴۳ بقره جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ در قرآن خرمشاهی قرآن بها الدین خرمشاهی صفحه 22 سطر 5 به معنی "بهینه" آمده است که دیدگاهی بر نه افراط و نه تفریط در قرآن مجید که همان مفهوم اعتدال (moderation) است از واژه عدل و عدالت، حالتی بین دو طرف از لحاظ کم یا کیف است، این واژه در فرهنگ‌های عربی و مصطلحات قرآنی به معنای تناسب، استقامت، قوام پیدا کردن و موزون بودن نیز آمده است.

موضوع اعتدال، بهینه، نه افراط و نه تفریط و احکام شرعی آنها که عمدتاً اکثر آنها از لحاظ فنی، عملیاتی و صدق در ایفای حقوق مردم، بدون مصداق هستند، هنوز به عنوان مهمترین دست آورد های قرآنی و اسلامی به شاخص های کمی و فنی و استانداردهای معنوی درنیامده (که قرآن مصداق همه چیز است - مولف) در این مورد، به نامه من به سازمان ملی استاندارد نیز توجه ای نشده است، در همین راستا، اعتدال اقتصادی، با شاخص رضایت عامه مردم با درآمد متعارف، شناخته میشود، پزشکی که ماهانه بالغ بر 400 میلیون تومان درآمد دارد یا تاجری که بیش از این رقم را روزانه بدست می آورد، ملاک صادق بودن این شاخص نیست، (این درآمد ها باید با ضریب جینی مبتنی بر قواعد دانش مفید با شاخص های اعتدال تطبیق نماید تا دانشجویان برای این مشاغل پر پول ساز مسابقه نگذارند و برای توسعه پایدار و رفاه عموم ملت خبرگی بیاموزند- مولف)، این جامعه از نظر قرآن دارای قوامیت اقتصادی نیست، یعنی مردم به دنبال افراط، تبذیر، اسراف، بخل، خساست و ریخت و پاش یا تفتیر (نفقه را بر عیال تنگ گرفتن و برای قوت روزی خود گدائی کردن) و مانند آنها نمیباشند، درحالیکه آموزه های اسلامی بر عدالت و اعتدال در تولید ثروت، توزیع و مصرف آن تاکید دارد به گونه ای که به محیط زیست آدمی و نیز منابع، ضرر و زیان و فساد نرسد، پس در مصرف لازم است به گونه ای رفتار کرد که منابع و



نعمتهای الهی ضایع نشده و با لجستیک عدالت توزیعی به تمام نقاط کشور، مردم از عدالت اسلامی بهره مند شوند و اسلام را به اسم و عنوان شناسائی نکنند .

The subject of moderation is optimal, not excessive and non-existent and their religious judgments that most of them are technically, Operational and conscientiousness in the exercise of the rights of the people are without a specification; these judgments didn't change to quantity and quality indices and spiritual standards (refer to my letter to national and legal standard), in the same way, economic moderation is characterized by the general satisfaction of people with standard income, a physician who has 400 million toman income every month or a businessman who receives more than a daily amount, the criterion for being honest is not, this community in view of Quran it isn't profitable, it means, people are looking for extremism, attachment, lavishness, stinginess, mischief and spill or distillation( abandonment of the alimony and begging for the strength of your day ) and they are not like this, While Islamic teachings emphasize on justice and moderation in the production of wealth, distribution and consumption, in a way that does not endanger the human environment and resources, losses and corruption, then about consumption should be treated in such a way that divine resources and blessings are not lost and with a distributed justice logistics to all parts of the country's People will benefit from Islamic justice and do not identify by name and title of Islam.

جورج مارشال برای معیشت مردم معتقد بود " در همه جای دنیا، انسان مرفه، یا دست کم امیدوار به زندگی در رفاه، به سوی تمامیت خواهی جذب نمی‌شود" **وبه این اعتقاد عمل کرد**

<https://fa.wikipedia.org/wiki/مارشال>

مارشال از کجا فهمیده بود که انسان های در حال رفاه، زیاده خواه ( assuming ) نیستند ، من نهج البلاغه مولی الموحدين (ع) را خواندم ؛ بینوایان هوگو را خواندم (در 18 سالگی خودم ) و سپس صدها کتاب در فقر و بدبختی در طول تاریخ بشری ، هر کس این گونه در این موضوع مشخص مطالعه کند ، می فهمد که مارشال این عبارت تاریخی را چگونه در فطرت انسانها یافته است ، راه تقسیم منابع را توسط مولا(ع) در تاریخ بخوانید ، بعد می فهمید که مردم چگونه بر قناعت و زهد ایستادگی میکنند ، که معنای حقیقی اعتدال در مصرف است نه اینکه عده ای از پر خوری مشتری وفادار بیمارستان هاباشند و عده ای هم از سوء تغذیه ، مشتری وفادار بیمارستان و گاهی دادگاه زندان باشند ، در بعضی حکومت های اسلامی ، مامور دولتی صندوق پولی را با خود حمل میکرد و دنبال فقیر میگشت که او را از فقر برهاند ، وقتی به او میگفت :چقدر نیاز داری ؟ پاسخ میداند : یک دینار ، مامور میگفت ، بیشتر مطالبه کن ، مضایقه ای در کار

نیست ، مرد مستمند جواب میداد ، امروزم بر قرار شد ، خداوند فردا روزی من را میرساند! . اینست اعتماد به خدا و حُسن ظنّ به قادر متعال که دولت با عدالت ، فرهنگش را مهندسی میکند!.

George Marshall believed in the livelihood of the people" all over the world, a prosperous person, or at least hopeful to live in prosperity, you will not be attracted to totalitarianism” **and done to it's believed.**

<https://fa.wikipedia.org/wiki/مارشال>

Where did Marshall know that prosperous persons aren't assuming manner, I studied the Najolbelagheh (sacred book) of Ali (the peace upon him), I studied the miserable book of Hugo (in my 18 years old) and then hundred's book in poverty in history, anyone studying this kind of thing in this particular matter, he understands that Marshall how has this historical expression been found in human nature, read the way of distributing resources by Ali (AS) in history , then you understand how people stand up to contentment and asceticism, that means moderation in consumptions, not that some loyal customers are in the hospital from a lot of eating and some are also malnourished, a loyal customer of a hospital , court and prison,.....

### **Please translate below paragraph**

انسانی که با آفریدگار خود چنین پیمان دوستی دارد و به حضرت باریتعالی چنین حُسن ظنّی (good/high or favourable opinion) دارد ، آنقدر زیبا زندگی میکند که پول دار چپاول گر نصیبی از این راحتی جسم و جان ندارد، انسان قانع از درون و بیرون سالم و در نزد مردمان شریف و اگر بوی مسئولیت دادی ، برای مال مردم و بیت المال جیب ندوخته و چنان امانت داری میکند که الگوی انسان های دیگر قرار میگیرد و مسئولین باید اینگونه باشند ، نه فاصله وحشتناکی بین حقوق یک مسئول و یک کار زحمتکش باشد ، اگر این فواصل واقع شد ، میشود " الناس علی دین ملوکهم " و به غیر یک عده که خداوند متعال می فرماید " قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ " بقیه بدنبال ، حرام خوری ها ، زیاده خواهی و چپاول گری میروند ، همانطور که راه های سلیم و خردمندانه وجود دارد ، صد چندان راه های حرام خوری و جیب خالی کردن وجود دارد ، اگر می خواهید جامعه حرام خور را بشناسید ، از چگالی سنگین و حجیم دادگاه ها، زندان ها ، بیمارستان ها و نظایر اینها نشانه شناسی کنید ، پیامبر میفرمود " بیشترین چیزی که پس از مرگم، از آن بر امتم بیم دارم، کسب ها و درآمدهای حرام و شهوت ناپیدا و ربا خواری است. » (کلینی، 1401: ج 5: ح 1: 124) ، بهر حال از نظر ما موضوع معیشت مردم ، جزء تکالیف دولت است که باید برابر قاعده " تکلیف ، حقوق، صدق" انجام گیرد ، دینای این مثلث صدها داده را شامل میشود.

**3. امتی با چنین توصیف ، وارث زمین است**



چنین امتی برگزیده حامل وحی الهی در زمین، مثال و نماینده اراده الهی است، بنابراین، فرقی نمی کند در کجای زمین خدا باشد، مقام جانشینی خداوند بر زمین در اصل از آن چنین امت برگزیده است، کشورهای که توانستند در دوره های بهمین وصف، یعنی با ضریب جینی 25 در صد، 1500 شاخص سلامتی، سیستم های پیشگیرانه و کنترل و نظارت و جرایم سنگین برای افراد خاطی و صدها استاندارد دیگر اداره شوند، خوش زندگی کردند، کسی برای زیاده خواهی، به خالی کردن جیب دیگری طرح ریزی نکرد، ولی از موقعی که نظام سرمایه داری، حرص برای پول داشتن، انتشار سرمایه داران بزرگ دنیا، که مایه شرف و انسانیت نیست، مارک، کاخ نشینی و زندگی چپاول گری مُد شد، دیگر وقوع امتی به این اوصاف غیر ممکن شد، اسم امت را یدک کشیدن غلط است، امت یک کلام حقیقی و قرآنی است که الگوی آن حضرت ابراهیم (ع) است و یا رسول گرامی (ص) با کسانی که لیاقت امت وسط رادارند، شاخص های امت وسط بقدری زیاد و سخت است که براحتی نمی توان خود را متصف به آن نمود، (زیرا هر کس بُتی می پرستد و بُتهای خود را مُتصف به صفات کمال می داند، به همین بی کمالی خود میباید و اکتفاء میکند)، این امت است که رئیس سایر امم است و این امت است که پرچم نجات جهانی را از جهل و نادانی و دنیا پرستی به عهده دارد، این امت وعده عصر ظهور است، رسالت پیامبر (ص) نیازمند امتی است که ضمن پذیرش و ایمان به آن و حفظ و نگاهبانی از آن، آن را به دیگر امتها منتقل کند بنابراین، امت حافظ وحی الهی در تاریخ است. قرآن خود بر مسأله حفظ و نگاهبانی از ذکر (قرآن) تأکید کرده است، این امت، امتی برگزیده است و بنا بر روایات، حتی تورات به آن مژده داده است، این امت، امت فرجامین است و امت آخر زمانی.

### 3. A nation with such a description is the heir of the earth

Such a chosen nation carries divine revelation on earth; example is representative of divine will, so it does not matter where God's earth is, the succession of Allah to earth has originally chosen such a nation, countries that were able to be such this, that is, with a Gini coefficient of 25 percent, 1500 health indicators, preemptive systems, control and supervision, Heavy penalty for the wrongdoers, the hundreds of other standards are managed, they had good luck livelihood, Someone did not plan for another pocket for excessive consumption, but since the capitalist system, greed for money, have got issued the great capitalists of the World is not a honour or an humanity, mark, palace and life became fashionable, it was no longer possible for the nation to become so privileged, it is wrong the trail of **Optimum Ommat**, **Ommat** is a true and Quranic word that Prophet Ibrahim (peace be upon him) is pattern of it or Dear Prophet (PBUH) with those who deserve the middle of the **Ommat**, the indices of Ommat is very hard and so much many those it everyone cannot easily figure it out, This is the **Ummah** that is the head of

the other Imam and the flags of global salvation are from ignorance ,this Ommat(Ummah) is term time when come to humam,s maturity,.....

4. الگوریتم حقیقی بهینه بر اساس مفهوم امت وسط برای قانون گذاری و تدریس در مراکز آموزش عالی

به اصل رساله مراجعه شود

**4. The optimal real algorithm based on the concept of the middle Ummah for Legislation and teaching in universities sees the principle of the treatise**

5. اشکالات بهینه پارتو

**5. The problems of Pareto efficiency**

**Please translate below paragraphs**

کارایی پارتو (Pareto efficiency) یا بهینگی پارتو یک مفهوم در علم اقتصاد است با کاربردهایی در مهندسی و علوم اجتماعی، این مفهوم حالتی از تخصیص منابع است که در آن امکان بهتر نمودن وضعیت یک فرد بدون بدتر کردن وضعیت فردی دیگر وجود ندارد! (حالا که در الگوریتم های ژنتیک بهینه سازی چند هدفی هم دخالت کرده است !!!) و حالا این وحی مُنزل را از کدام فیلسوف حقیقت یاب و یا پیام الهی، یا ضرورت های عادلانه کشف و ضبط کرده است، باید به سرگذشت ویلفردو فدريكو داماسو پارتو به ایتالیایی (Vilfredo Federico Damaso Pareto - ۱۸۴۸-۱۹۲۳) توجه کرد، کسی که در مسیر ثروت های باد آورده در حکومت فاشیستی موسولینی به عضویت مجلس سنای ایتالیا انتخاب شد (بنیتو آمیلکاره آندره آ موسولینی) نام کامل به ایتالیایی (Benito Amilcare Andrea Mussolini: زاده ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۳ - درگذشته ۲۸ آوریل ۱۹۴۵) (روزنامه نگار، سیاستمدار و رهبر ایتالیای فاشیست طی دوران جنگ جهانی دوم بود)، باید برای دانشگاه های ما گریست، در حوزه های علمیه صدها کتاب تاریخی می خوانند تا ببینند، مُرسِل و راوی یک حدیث چقدر سالم و پرهیزگار است و کسی که محقق است چگونه زندگی کرده است و مخیلیات فکری و ذهنی او را بررسی میکنند، امروز بازار قرمز (red market) جهان و رقابت های خصمانه در جنگ تجاری دنیا، ثمره اینگونه درس های ینگه دنیائی غرب است که یک استاد جسارت نکرده و پای در تحقیق بگذارد و ملاحظه کند، این دستورالعمل های ظالمانه چه بسر جهان آورده است و یک الگوریتم عادلانه (justly algorithm) ترسیم کند، واقعاً جای تاسف جانکاه است!.

زمان حال ما، بجای اینکه ثروت فردای ما باشد، تشکیل دهنده یک چگالی عظیم و مرگبار برای نابودی نظام های فعلی جهان است که در راس آن کاپتالیسم می باشد (Our present time, instead of our wealth tomorrow Constructing a massive and massive density is for **destructing all systems in the world that At its head is capitalism**) به عنوان مثال، الگوریتم ژنتیک، بهینه سازی چند هدفی، کنترلر های، PID (proportional-integral-derivative) بهینه

سازی پارتو، رویکرد اصلی حل مسائل بهینه سازی چند هدفه در اغلب الگوریتم های بهینه سازی فراکوشی و بکارگیری مفهوم " غلبگی پارتو" می باشد که این پرداخته میشود، معیار ما باید براساس مفیدیت عام باشد نه پول دار شدن یک یا قشری از جامعه ، و این تخصیص در هر تحقیق ویا پروژه تحقیقی باید به عنوان یک اصل مسلم و از طریق قواعد دانش مفید مبرهن شود ، بهبودها و پیشرفت هایی برای وضعیت حداقل یک فرد بدون کاهش وضعیت خوب هیچ یک از افراد دیگر می تواند با الگوی پارتو به وقوع بپیوندد.

**این نکته مهم است که تغییر از یک تخصیص غیر بهینه به یک تخصیص بهینه لزوماً با الگوی پارتو ممکن نیست، در جهان واقعی هیچ کس به وسیله یک تغییر مفروض در بهبود کارایی اقتصادی نباید زیان ببیند ، ضرر در هر امری در نظام کاپیتالیسم که ما را هم گرفتار کرده است، ولی یک نظام جبرانی و تلافی کننده برای شخص متضرر پیش بینی نشده است ، نه قانون مسلمی داریم ، نه قراردادهای اجتماعی ، نه تضمین های بیمه ای و غیره ، فقط بیمارستان ها ، دادگاه ها و زندان ها و شاهد بازار رقابت ظالمانه در جهان هستیم که محققان شرق و غرب ، برای این معضل جهانی صدها کتاب و هزاران مقاله و رساله نوشته اند و نهایتاً بازار آبی ( Blue market ) پیشنهاد شده است که چارچوب اصولی آن معین نیست .**

کوشش هایی برای جبران چنین بازارهای قرمز و 70 درصد فقر در جهان ، انقلاب جدید در فرانسه و هزاران ناراضی و بی امنی و غیره در جهان ، برای این است که بدون تعمق به این ریشه های موئین و ظاهراً ناپیدا و گم شده توجه نشده ، فقط به صرف اینکه از ینگه دنیا آمده است ، جهان را به بدبختی کشانده است ، بنابراین ممکن است به مشکلات عملی و اساسی عدم ارائه (فقط نمایش و کلاس گذاشتن و دکان درست کردن!) و خطر اخلاقی و بی کفایتی و عدم کارایی قابل توجه به عنوان رفتار فرصت طلبانه همراه با تزویر و حيله بازیگران منجر شود که شده است نظریه جبران فرضی بخشی از کارایی کالدور – هیکس ( Kaldor-hicks efficiency ) یک بازی ریاضی است ( که این گونه بازی ها در مقالات من آمده است – مولف ) برای اینکه یک جبران فرضی است که منابع جبرانی نامشخص است و منافع اجتماعی را تامین نمی کند و معیاری مفید به حال مردم در مانده نیست و نمایش این شرایط به اصطلاح ایده آل، غیر حقیقی است و به قول کارناب یک واقعیت (fact) است که هنوز غرب فوق بین حقیقت و واقعیت درک نکرده است . [ensani.ir/fa/article/download/224709](http://ensani.ir/fa/article/download/224709)

می توان نمایش داد که سیستم بازارهای آزاد (رقابت کامل) که یک دورغ بزرگ مثل فرضیه عرضه و تقاضا است ، به سمت نتیجه کارایی پارتو هدایت می کند، ولی مثل سایر نمایش ها و صورت گریها ، یک نمایش و رونمایی است ، روی سفره مردم اثر کیفی و کمی ندارد ، جزء آنهایی که از شبکه های آن چنانی یاد میگیرند ، چی بخرند و چه بفروشند و یا در دوساعته نشسته در خانه میلیون ها تومان به جیب بزند ( بازار این شبکه ها خیلی گرم است!) ، قضیه اول و الفهم یک بازی ریاضی است آن ابتدا از نظریه ریاضی توسط اقتصاددانان کیفری اثبات شده است (آرو و جراد دبرو). اگرچه نتیجه با ریاضت و دقت زیاد بود ولی ثابت نشد برای اقتصاد واقعی، زیرا برای دلیل و گواه فرضیات محدودکننده لازم است ، سایر قضایای و فرضیات بعد از پارتو ، چون با نگاه سرمایه دارای لجام گسیخته است ، مشکلی برای جهان حل نکرده است.

6. بهبود پارتو و تئوری اقتصاد خرد ( رمز چپاول ثروت و حق مردم دنیا توسط نظام سرمایه داری!)

## 6. Improving Pareto and microeconomic theory (the capitalist system's robbery of the wealth of the people of the world! )

این تئوری در نظر می‌گیرد که تحلیل‌های اقتصاد خرد فرض می‌کند که مطلوبیت افزودنی نیست و کاهشی هم نیست و فرض می‌شود مطلوبیت بین افراد مبادله می‌شود، استفاده در مبادله‌های مطلوبیت بین افراد هدایت می‌کند به مشکلات بزرگتر کالا که با عملیات سودگرانه پیشین مواجه می‌شود (this theory takes into consideration that microeconomic analysis assumes that utility is not additive and there is also no reduction and It is assumed that utility is exchanged between individuals employment guides the exchange of desires between individuals to more difficult goods that it faces previous profitable operations)، همچنین یک سؤال پیش می‌آید به طوری که چگونه وزن‌ها تعیین شود و چه کسی وزن‌ها را تعیین کند (مفسر حقیقی داده‌ها کجاست؟) همانطوری که سؤال درباره این است که چگونه مقایسه شود خوشی و لذت یا درد و رنج در بین خصوصیات فردی و افراد، کارایی در همه اقتصادهای استاندارد – بنابراین به فقدان پیش رفت‌های پارتو بر می‌گردد، هیچ راهی نیست برای اظهار نظر کردن روی تخصیص نسبتاً خوب (در مفهوم عدالت توزیعی یا تساوی حقوق)، یک تعادل کارا می‌تواند جایی باشد که یک بازیگر همه کالاها را دارد و بازیگران دیگر هیچ کالایی را ندارند، (بعنوان یک مثال: مثلث "بی‌نهایت و حداکثر و حداقل") مدرک:

[https://fa.wikipedia.org/wiki/کارایی\\_پارتو](https://fa.wikipedia.org/wiki/کارایی_پارتو)

7. مرز پارتو ( قانون تحدید حدود غرب و فرار از تکالیف ذاتی در قبال بشریت و خالق انسانها)

مثل اینکه مثل محمد بن راشد آل مکتوم " حاکم دبلی و نویسنده کتاب «نگرش من و چالشهای برتری" معصومیت را در ذهن خود ملغی میکند چون معصومیت تکلیف انسان را در قبال دیگران به صیانت می‌کشد و الغاء دنیا پرستانه، یعنی فرار از مسئولیت در قبال خدا، رسول خدا، انسان و طبیعت، اصلی که بنیان وکیان مذهب شیعه بدان وابسته است و با این قیام تاریخی، مذهب اعتراض به تمام تحریف‌های تاریخی میشود، غرب نه اینکه نمی‌فهمد، برای هستی بی‌نهایت تحدید حدودی نیست، ولی برای فرار از مسئولیت‌های اجتماعی در بسیاری جهات، تکالیف خود را محدود کرده است به دانش‌های حسی – ابطالی، و اینک گرفتار آنچه که از آن فرار کرده است، میباشد.

## 7. Pareto frontier (West End Limitation law and Escape from the intrinsic obligations to humanity and the human being)

<https://modiriran.ir/محمد-بن-راشد-آل-مکتوم-حاکم-دبلی-و-نویسن>

مثالی از مرز پارتو: بیان موضوعات احاطه شده انتخاب‌هایی متحمل و ارزش‌های کوچکتر ترجیح داده می‌شود به شخص بزرگتر نقطه C روی مرز پارتو نیست زیرا به وسیله هر دو نقطه A و نقطه B احاطه

شده است و نقاط  $A, B$  صریحاً بوسیله چیزی دیگری احاطه نمی‌شوند. داشتن یک مجموعه از انتخاب‌ها و راه ارزش آنها، مرز پارتو یا جبهه پارتو یک مجموعه از انتخابهایی است که کارایی پارتو هستند. مرز پارتو مخصوصاً سبک و سنگین می‌کند مطابق با این مجموعه، بیشتر ملاحظه یک برد و اندازه کامل هر پارامتر. مرز پارتو رسماً به عنوان جریان‌ها و تابع‌ها تعریف می‌شود. یک فضای طراحی با  $n$  پارامتر واقعی را در نظر بگیرید و برای هر نقطه فضای طراحی ضابطه مختلف وجود دارد بوسیله قضاوت روی آن نقطه اجازه دهید علامات و نشانه‌ها تابعی باشد که هر یک فضای نقطه  $x$  را طراحی کند و یک ضابطه فضای نقطه  $f(x)$  را طراحی کند. این اظهارات و مشاهدات راه ارزش‌گذاری طراحی‌هاست. حال ممکن است بعضی از آن‌ها احتمالاً طراحی نشوند؛ بنابراین  $x$  مجموعه‌ای طراحی‌های ممکن داخل باشد که باید مجموعه‌ای مترکم باشد سپس مجموعه‌ای که نشان می‌دهد ضوابط نقاط ممکن را  $f(x)$  است، تصویر مجموعه  $x$  تحت فعالیت  $f$  که تصویر  $y$  نامیده می‌شود. ایجاد یک مرز پارتو به عنوان زیر مجموعه  $y$  نقاط ممکن معیار آن می‌تواند فرض شود که ارزش‌های قابل برگشت هر پارامتر ضابطه کمتر یکدیگرند، بنابراین حداقل می‌شود هر اندازه از ضوابط برداری سپس مقایسه می‌شود ضوابط برداری نتایج: یک معیار برداری  $Y$  صریحاً تسلط می‌یابد (ترجیح داده می‌شود به) یک بردار و جهت  $Y^*$  اگر هر پارامتر  $y$  بزرگتر متناظر  $y^*$  و حداقل یک پارامتر صریحاً کمتر است: آن است، برای هر  $i$  و برای مقداری  $i$  این نوشته شده بدین منظور که  $y$  صریحاً احاطه شده بوسیله  $y^*$ . سپس مرز پارتو مجموعه از نقاط  $y$  که بوسیله سایر در نقطه  $y$  دربرگرفته نشده است. رسماً تعریف دسته جزئی روی  $Y$ ، بطور مثال دسته تولید (دقیق تر، شامل دسته‌ای روی  $Y$  به عنوان زیر مجموعه) و مرز پارتو یک مجموعه از عوامل حداکثری در رابطه با این دسته. الگوریتم برای محاسبه مرز پارتو از مجموعه محدود تناوب‌هایی که در علم کامپیوتر مطالعه شده است، گاهی اوقات به عنوان مشکل برداری مربوط حداکثر برمی‌گردد یا تردید خط مرزی [https://fa.wikipedia.org/wiki/کارایی\\_پارتو](https://fa.wikipedia.org/wiki/کارایی_پارتو).

## 8. مفهوم فکت کارناب

### 8. The concept of Karnab, s fact

دانش فاکتی ( Factual knowledge ) رود لف کارناب در کتاب مقدمه ای بر فلسفه علم در صفحات 111 و 113 و برخی صفحات دیگر کتاب مذکور ، ملهم از نگاه بسیطی وی به ماده و اشیاء و بی توجهی او به علیت تراکمی در خلق محصولات و اشیاء مرکب است ، این دانش فاکتی با روش های حساب احتمالات و در مراحل تجربی و شبه در خلق تصادفی بودن محصول در آزمون ها ( که نامش را فکت یا امر مسلم ، واقعی یا حقیقت میگذارد) به دلایل زیاد یک خطای بزرگ علمی بوده که شیوه یقینی برای خلاقیت و نوآوری های غرب محسوب شده است و رعایت ضرورت های حکمت و فلسفه در آنها رعایت نشده است ، تخریب طبیعت از طریق تکنولوژی و روش های به اصطلاح علمی غرب ، بدلیل این گونه فرضیات ، روش ها و در کل ارانه قضایا و احکامی است که اشخاصی نظیر پوپر و کارناب بر دنیای علم تحمیل کردند و دانشگاه های ما نیز بدون تعمق در نتایج شوم در هژمونی فناوری های مضر برای انسان و طبیعت ، آنها را تدریس نمودند، تفصیل این بحث در اصل این رساله آمده است.

9. فرق حقیقی و واقعی ( Real and truth difference ) در انتهای این مقدمه بخوانید به زبان انگلیسی - صفحه 16

10. بهینه پاراتودر ژنتیک چه اشکالاتی دارد (به اصل رساله مراجعه شود)

11. آمایش بهینه سرزمین ، کشاورزی ، صنایع و خدمات (به اصل رساله مراجعه شود)

12. ارزیابی شش سیگما در بهینگی ناب(به اصل رساله مراجعه شود)

13. یک نمونه آگوریتم بهینه در اسلام( به اصل رساله مراجعه شود)

14. شکایت از خروس به دادگاه

دادگاه خروس بی محل برگزار شد + عکس

یک زوج فرانسوی که از آواز سحری خروس همسایه به تنگ آمده بودند، به دادگاه شکایت کردند.



<https://www.hamshahrionline.ir/.../> صاحب خروس بی محل - ۵۰۰ یورو ..-

ابوسعید ابوالخیر « رباعیات

هنگام سپیده دم خروس سحری

دانی که چرا همی کند نوحه گری

یعنی که نمودند در آیینۀ صبح



دانی چه گذشت به خروس سحری در سپیده دمان  
" میگفت: یعنی که نمودند در آئینه صبح"  
غرب از حق گوئی حق به تنگ آمده است  
آنچه اولاست به هر چیز ، حق خواهی ست  
با این پرده پوشی ، آیات الهی منسوخ نشد  
آنانکه گرفتند حق خویش از حق خوران  
جهنم جای آنان است کان ، حق راکشته اند  
بی خبرماندیم در کوجه بیخبری، از خویشتن  
چون جوهر حق گم شد در آئین سوداگری  
شد واجب بر خردمند زمان ، مدرسه حق  
در محضر حق از دلیران باش و صدق بیان  
شنیدم مردی از خدا خواست حاجات زیاد  
ما برای اعلیٰ علیین ، لباس خلقت یافتیم  
در کشف احسن مخلوق، لامکان گشتیم ما  
آن ملامتگر ما که پند داد و تذکر بسیار بکرد  
چشم سرمن، بسیار بیند از زرخدان عمیم  
ژانر اصلاح من اعتدلال است ، اعتدلال  
محمود نیک داند این حلقه های زنجیر وار  
محمود صناعی پور

مورخ : 1398/5/10

\*شعری از ابوسعید ابوالخیر

آنکه نوحه گری میکرد، برخیزد ای بی خبران  
"گز عمر شبی گذشت و توبی خبری(از بی خبران)"  
او چه داند که حق نگردد هرگز، در پس پرده نهنان  
امروز خروس گوید ، فردا تقدیر دهد، خط نشان  
روزی خروس احياء کند حق ، يکروز مستضعفان  
احياء نمودند حق اليقين و گرفتند مقام در جنت مکان \*\*  
تا کی بینی تقدیر زمان ، اینان شوند جمهور گشتگان  
صرف لذت ساختیم این بدن، آموزه های بد از بدان  
جای آن ترانه خوانند، اشک ریزند، لیک حق رهان  
تا بداند ریشه حق ، دانشنامه حق ، قاعده احکام آن  
غیر ازین کاستی ها زاید زما ، هستیم بدهکار زمان  
گوهر باخته، گول خورده، دنیا پرست، زندان زمان \*\*\*  
از خداوند صاحب جنان، گردیدیم از زمره احسانان  
راه راست باختیم از انتخاب بد خویش در سافلان \*\*\*  
نیست جزء دل مسؤل، شاهد اجحاف ما، به هم وطنان  
چشم دل مرکب بیند ، نی صورتگری از صورتگران  
حلقه اول گربگیری ، توفیق یابی در راه عادلان (5)  
گریک حلقه گم شود ، مفید ناید زان ، نه سودها عیان

**\*\*وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، سورة الرحمن، آيات 49 به بعد .مبنی بر دوری کردن از افرادی با این دو ویژگی: روگردانی از یاد خدا (مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا) و دنیاخواهی صرف (لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا).**

**\*\*\*شعر زندان. زمان از این شاعر ومولف**

**\*\*\*سوره والتين ، لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾، ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾**

**(5):معنی ژانر(Genre) : سَبَك**

**9. فرق حقیقی وواقعی (Real and truth difference) در انتهای این مقدمه بخوانید به زبان انگلیسی**

## **Top 10 Differences between Truth and Reality**

Published on May 28, 2015 •

**[Jack Nargundkar](#)**

Following

Senior B2B/B2G Marketing & Communications Executive

**[39 articles](#)**

Like34 •

Comment14 •

Share •

The interchangeable use of “truth” for “reality” and vice versa is pretty widespread. In fact, way back on November 27, 2010 I took to twitter to highlight what I believed was a key distinction:

TMT: There is a difference between reality and truth—the former can sometimes have shades of gray, the latter is always black and white. #in

A lack of knowledge of the truth does not belie its existence or confer it a nebulous status. In their personal and professional lives, ordinary people often conflate reality with truth. However, those pursuing a spiritual path and seeking the “eternal

truth” are exempt from my discussion, since they tend to live in a reality that mere mortals will find hard to comprehend.

“*Keeping it real*,” is a phrase commonly used, especially among younger generations, who seem to favor “real” over “truth.” It’s almost like they want to avoid the truth, the whole truth and nothing but the truth... so they’d rather just keep it real without help from any higher power? But I kid the kids, only to make a point. There are indeed subtle differences between reality and truth; inasmuch that the former exists but only the latter can confirm its existence in any given circumstance.

The great scientist, Albert Einstein, had observed:

Reality is merely an illusion, albeit a very persistent one.

There could be no more glaring example of the increasing dichotomy between reality and the truth, then in the proliferation of “reality shows” on television in the past decade. These shows conflate their heavily edited versions of reality with the truth and seemingly present it as such. It’s almost like these shows have gauged that their audience wittingly accepts their version of reality as the truth.

So where does reality end and the truth begin? Or, more accurately, how do we uncover the truth that is embedded in reality? Clearly the truth is always omnipresent in reality, but on occasion it just takes time to surface. It’s why the father of our nation, George Washington, had intoned:

Truth will ultimately prevail where there are pains taken to bring it to light.

Knowing how illusive reality can be and how challenging the search for the truth, even in a non-spiritual context, can become, let me attempt to shed some light on this dichotomy with my very own, “Top 10 Differences between Truth and Reality:”

### **1. Truth is absolute, Reality is cognitive.**

Senator Daniel Patrick Moynihan had famously said:

Everyone is entitled to his own opinion, but not to his own facts.

If we simply substitute “reality” for opinion and “truth” for facts, his words of wisdom are equally valid in our dichotomy. While different people may perceive the reality of a given situation differently, there is always one, and only one, version of the truth for that situation.

## **2. Truth hurts Reality bites.**

The ecosystem that surrounds the truth in any given situation is the reality of that situation as perceived by its individual participants. In a business situation, the truth might be as stark as the sudden cancelation of a critical multimillion-dollar order. However, reality bites various functional groups in the company’s ecosystem in different ways, even as the truth hurts the company’s revenue stream.

## **3. Truth is singular, Reality is manifold.**

In our company example above, the reality of the lost order is perceived differently by the finance guy worried about cash flow, by the purchasing guy dealing with inventory, by the manufacturing guy saddled with an idle assembly line, by the sales guy not making his numbers, etc.

## **4. Truth is objective, Reality is subjective.**

The truth can be pleasant or it can be bitter. Regardless of outcome, the truth is determinative – it has finality to it. It is what it is... unlike reality, which can be interpreted in different ways by the various people it affects. The CEO of the business, in our earlier example, might see the sudden cancelation of a big order as a sign to undertake a major overhaul of his company’s operations.

## **5. Truth is permanent, Reality is ephemeral.**

Again, going back to the company that suffered a sudden cancelation of a big order, once the CEO acts on the truth, the subjective reality of the company’s various functional groups begins to fade.

## **6. Truth emancipates, Reality constrains.**

There isn’t any more complicated example of the truth setting one free than by coming clean when a spouse has had an extramarital affair... always more easily

said than done. The reality of that entire situation can constrain one or more participants from voluntarily divulging the truth, which would be liberating yet very difficult to fulfill.

### **7. Truth redeems, Reality informs.**

The best that reality, viewed from anyone's perspective in any given situation, can do is inform or misinform the participants within the ecosystem. Only the truth can offer redemption, whether it is the spouse getting out of a bad marriage or the CEO steering a company out of a bad situation.

### **8. Truth comes from the heart, Reality follows from the head.**

Very often the truth remains suppressed because analytical and logical thinking suggests that all affected players within the ecosystem would be better off, at least in the near term, if it were so. Both, the cheating spouse and the worried CEO know that their respective realities indicate that they can be kicked down the road. But, within their hearts they know the truth – postponing the inevitable sometimes creates a snowball effect. The reality is you have to know when to listen to your heart.

### **9. Truth requires courage, Reality reflects convenience.**

The cheating spouse and the worried CEO listening to their hearts might seem ironic, but facing the truth requires courage. More often than not, the convenient thing to do is the cowardly thing to do.

### **10. Truth is always real, Reality is not always true.**

At the end of the day, the truth will prevail – it is the ultimate and only reality. There is no second-guessing the truth like we can do with reality. What is real to you maybe unreal to somebody else? In fact, as Einstein said, “reality is merely an illusion...” until it reveals the truth! The finality of truth can be summed up in this quotation from *The Bhagavad Gita*: What is not real never was and never will be. What is real always was and cannot be destroyed

15. حديث كلام يا رقص كلام

**In the name of God**

حدیث کلمه یا معرفت کلام ( قصه رقص کلمات )

Insight of the “word” or insight of the “speech” (tales dance of words)

این داستان با آهنگی که تعیین میکنم اجراء شود (دریک تناترمناسب )

This novel be executed whit a song that I defined it (into a suitable opera)

نویسنده و اجراء کننده : محمود صانعی پور

Writer and executor: Mahmoud Saneipour



Mahmoud Saneipour

( I asked “word” what you are? ) از "کلمه" سوال کردم چی هستی ؟

( "کلمه" جواب داد: شیطان ) It replied me: “Satan “

با اعتراض گفتم : نه نه ، تو چیز دیگری هستی ، راستش را بگو

I said protestingly: “no, no, you are another thing, tell it honestly”

“ کلمه” اول خیلی خندید وبعد خیلی گریه کرد وبعد اشک هایش پاک کرد وگفت :من معرفت هستم ، بصیرت هستم ، یاد گیری هستم ، آموزش هستم ، دانش هستم ، شناخت هستم ، خرد هستم، معنا هستم ، حقیقت هستم ونظیر اینها

“Word” laughed and laughed firstly and then cried and cried, next, it wiped its tears and said: “I am insight, learned, educated, knowledge, being acquainted, wisdom, meaning, truth and like these”



گفتم : راست میگی ، راست میگی وبعد زدم زیرگریه ، خیلی گریه کردم وگفتم عجب دنیائی داریم!!

“You are right, you are right” I said, and then I cried and cried, “What a world we have”! I said

لحظه ای نگذشت که دیدم ، یکی دیگر در کنار کلمه قرار گرفت ، با چهره ای زیبا مثل کلمه ، هردو زیبا و جذاب بودند.

An instant later, I saw, another was at it side, a pretty face like “word” both of them were beautiful and attractively.

از شادی فریاد کشیدم ، وه چه عالی ! واز دیدن این دو موجود زیبا سیر نمی شدم!

I shouted for joy, “oh how great!” And I was not enough for seeing these two beautiful creatures!

از مهمان تازه وارد سوال کردم ، تو کی هستی ؟جواب داد من " کلام " هستم

Who are you? , I ask from guest newcomer, it replied me: “I am speech “

،سوال کردم یعنی چه؟

“What does it mean?” I ask

گفت: من سخن هستم ، جدال هستم ، بحث هستم ، مذاکره هستم ، طعنه هستم ، مهربانی هستم ، محبت هستم ، حقیقت هستم وبی شمار صفات دیگر

“I am conversation, speaking, talking, discussion, argument, negotiation, taunting, kindness, affection, truth and countless other traits” it said

گفتم : خیلی عجیب هستی !، چقدر متضاد هستی !،از تو عجیب تر در دنیا سراغ ندارم !

You are so strange! How are conflicting!” I don’t know of clue stranger than you in the world!” I said

بمن گفت: " با من بحث نکن ، جدل نکن ، من یک آهنگ بیشتر نیستم ، جوهر وجود من از کلمات است ، وآوای من از خنجره ودهان این آدم ها که از فطرتشان حرف میزنند"

"Don’t discuss with me, don’t argue with me, I am not a symphony more, the essence of my existence is from “words” and my a song is from dagger and mouth of people, the singer , also the song either " , it said me

گفتم: "آها ، بلی ، دارم کم کم میفهم ، یعنی این آدم هستند که تو را خلق میکنند؟"

"Aha, yes, I began to understand, this means that these people are creating you?"  
I said

گفت: " موضوع دقیق تری وجود دارد خوب توجه کن، تونمیتوانی هر کسی را مقصر کنی !!!"

"Good Note, there is a more accurate, you cannot anyone has guilt!!!" it said

گفتم: "گیج شدم ، بگذار بفهمم"

"I got confused, let me understand" I said

کلمه به سخن آمد وگفت : من ریشه کلام هستم وکلام از من قوام میگیرد

Word spoke: "I am the root of speech and speech takes consistency from me"

کلمه ادامه داد: من حرف های بی معنی را با هم جمع کرده معنا دار میکنم ، اسم هر چیز از من ساخته میشود ، مصدر فعل از من ساخته میشود ، کلمه بندی از ناحیه من است ، لغت نامه از من ساخته میشود ، کودک اول از من آغاز میکند ، تمام اشیاء جهان هستی از من نشانه دارد ، بدون من تلفظی ندارند! ولی همه اینها حقیقت هستند وگناهی ندارند ، شاید روزی شاهد شوند!!

Word continued: "I am gathering all letters those no having meaning together and then get meaning them, it's gonna be built noun of everything, the infinitive of verb built from me, wording is from me, dictionary is built from me, a child starts from me firstly, all objects of the universe having signs from me, no, they don't have articulation without me!, but all of them are truth and not guilty , perhaps Once they will be witnesses "

با خودم زمزمه کردم : خوشبختی وبد بختی !!!

I whispered to myself: "weal and woe "!!!

در این موقع ، کلام شروع به سخن کرد وگفت: "من خیلی عجیب تر از کلمه هستم ، هزاران کلمه را در استخدام دارم که آنها برای من میرقصند ومن با آهنگ هایم که بیشمارند ، سرود سر میدهم ، من اقیانوس بی کرانی هستم که قطرات زیبای آن کلمات است "

At this time, speech began to speak out and said:" I am so much stranger than I word, I have thousands words in the employ of my own those are dancing for me

and I sing a song by myself cadences that numerous, I am endless ocean that their drops beautiful are words”

فریاد زدم: ” غواصش کیست؟ غواصش کیست؟ که بتواند چنین اقیانوسی را غواصی کند!!“

I Shouted: “Who is driver? Who is driver? That such an ocean dive!!”

هردوی آنها خندیدند.

Both of them laughed.

در این موقع "کلمه" به حرف آمد و گفت: "کلام راست میگوید، او رئیس من است، اگر او نباشد، من هم رقص نخواهم کرد، و ادامه داد او رئیس من است، رئیس من است، اگر کسی "کلام حق" را فهمید معنا حق را از مفردات من درک میکند و آنگاه است که "کلمه" حامل بالاترین ارزش ها مثل نام خدا، نام پیامبران، اسماء فرشتگان، دوستی ها، وحدت ها و هرچه خوبی برای انسانهاست که خمیر مایه همه خوبیهای یک جا جمع است و آن حق، حقیقت و عدالت است، پس غواص این اقیانوس، انسان خدائی است، که گوهرهای رحمت خدا را صید میکند”

At this time, word spoke and said: “speech is right; it is my boss, if it does not, I will not dance “and it continued: “it is my boss, my boss, if anyone understands “word of right “he will understand that meaning of right from my simple substances and then is that “word” carrier highest values like: God (Allah), the name of prophets, the name of angles, friendships, Unities, or anything good for humans That leaven all are into a good place that is the right, Truth and Justice, then the ocean diver who is that of God's mercy is catching the gems”

کلام گفت: ” من هستم که به کلمات مفهوم میبخشم، کلمه بخودی خود معنا میشود و با آغاز گری من، این معناها بهم پیوند میخورند و مفاهیم درست میشوند و هرکس از کلام یا سخن من باندازه فهم خودش، صاحب معنا و مفهوم میشود، من سرود کلمه ام، من بزم آرای کلمات هستم، اول در زبان کودک کلمه مستقر میشود و بعد آهنگ را از من می آموزد، اسم، فعل، صفت و هرگونه قیدی، از کلمه لباس خلعت می پوشد ولی این من هستم که مایه یک سخنور هستم، او است که باسخن پردازی، سخن آرائی، سخن چینی، سخن آفرینی، سخندانی و سخنرانی، ساز مرا کوک میکند و با آهنگ الهی و یا شیطانی، تخم دوستی و یا دشمنی، سعادت یا شقاوت در قلب انسان ها میکارد“ .

Speech said:” I'm that give concept to worlds, word per se that is and by started me, these meanings connected together and create concepts are and everybody be owner meaning and concepts from my speech enough to understand himself, I am word's hymn, I am Party ideas of words, word sets based on child's tongue then

he/she learned song from me , noun ,verb, adjective and any adverbial things wears clothes the robe of honour , but I am the ferment for a speaker , he is that prepares my musical voices divine or Satan with oratory ,eloquence, tale-bearing ,creator of speech ,mastery of words and lecture Sows in the hearts of men the seed of friendship or foe , Prosperity or adversity”.

من گفتم : "این یک آوازه است ، آدم ها برای معروف شدن سخن آرائی میکنند!"

“This is fame, people eloquence for Popularity!” I said

کلمه گفت: "اشکالی ندارد ، بلاخره یک سخنران مشهور میشود ، انسان ها ی خوب هم مشهور میشوند و آدم های بد هم مشهور میشوند ، اگر یک نفر بخواهد با کلام خود از من (کلمات) برای تفرقه ، آتش افروزی ، قتل و غارت ، مطامع دنیوی و بدیهای دنیا استفاده کند ، از دست من کاری ساخته نیست ، من تقصیری ندارم ، همه چیز دست گوینده است ، ولی وقتی گوینده برای سعادت بشر سخنرانی میکند ، من در حال شادی و خنده هستم و وقتی کسی با نیت ناپاک و قصد چپاول گری و ستم کاری سخن میگوید ، من در حال غم و گریه هستم و باید بگویم که همه اشیاء اطراف من ، همین حالت را دارند ولی فقط انسانهای حقیقت طلب و حق گو هستند که این رازها را مشاهده میکنند و بقیه کور هستند اگر چه با چشمان خیره به سخنگو نگاه می کنند"

“No problem, a lecturer becomes famous finally, good men or bad men become famous both of them, if one wants to use from any word for concision, incendiary, killing, worldly interests and the evils of the world, and I cannot do anything, I do not blame, everything speaker’s hand but when Voiceover speaks for human well-being, I'm still joy and laughter and when a man speakswith foul intentions and going to work tyranny ravaged, I’m still sad cry and I must say that all objects around me have the same , but only humans are actually asking the right interview those can see the mysteries and the rest are blind although they watch with staring eyes to speaker” word said

با شادی گفتم: " شما دو تا جوهر موجودات زنده و با هوش هستید ، اینک کلمات پیش چشم من میرقصند ، ولی من هنوز نگاشتی روشن از انسان شیطانی و خدائی در ذهن ندارم"

“You two natures are living beings with intelligence, behold now, words are dancing before my eyes, but I still do not mind a clear mapping the divine man and evil man “I said whit happiness

در این موقع "کلام" به سخن آمد و گفت: "من هم چاره ای ندارم، این گوینده است که بار گناهان و یا ثواب ها را با خود حمل میکند، هر کس می تواند با توانا شدن در اقسام تلفظ و قدرت لفاظی مرا بخودش مقید کند، نه "کلمه" فی ذاته مسئولیت دارد و نه "کلام" ما برای این مقصد خلق شدیم که آدم ها آزمون شوند، هیچ موجودی مثل ما دوتا آزاد نیست، ولی اگر ما نبودیم، حق و باطل از نهان خانه قلوب خوب یا بد انسان ها از طریق خنجره، دهان و زبان آشکار نمیشد، من به گوینده قدرت میدهم که چگونه با الفاظ که از کلمات انتخاب میکند، نیت و مقاصد خود را به گوش مردم برساند، ما دوتا فی نفسه حقیقت هستیم، و با انسان که او نیز یک حقیقت دیگر است، می آمیزیم، و در راهی که پیامبران از طریق جریان حقیقی که خداوند متعال معین کرده است، نقش بازی کنیم، البته همه موجودات در این راه هوشمند هستند و نقش آنها نیز اینگونه است و جزء انسان ها، اختیاری جز آنچه خداوند برای آنها مقدر کرده است، ندارند بنابراین انسان ها برای هر سخنی و رفتاری آزاد نیستند و در مورد هر سخن و رفتاری مسئولیت دارد، در استفاده از همه موجودات زمین و آسمان با احکامی که مقرر شده است، مسئولیت دارد، ولی ما شاهد هستیم بر زبان، نگاه، رفتار و همه کارهای او در مواقعی که خداوند متعال بما ماموریت خاص میدهد!!"

At this time, speech spoke out and saying: "I have no choice; the speaker is who it carries Sins and rewards himself, anyone can I bind himself be able in diversity pronunciations and by power as rhetorician, not "word" has responsibility and not "speech "we created for the way of human's test, no creature free like us two, but if we were not discovered right and false from the secret home of good or bad human's hearts on the way of dagger, mouth and tongue, I will give power to the speaker selects how to terms from words to listen to its people its purposes and objectives, we us two are truth it-self get mixed by human who it is another truth too and play many roles into true current it determined from exalted God (Allah), off course, all existences are intelligent in this way and their role it is also and apart from humans not have authority except what Allah has ordained for them, therefore, Human beings are not free to every speech and behavioral actions and in regarding to all speeches and behavioral actions has responsible, but we are witness on tongue, looking, behaviors and it's all actions when exalted God (Allah) gives us a specific mission!!!"

سوال کردم: این ماموریت خاص چیست؟

I ask: "what is this specific mission?"

کلام پاسخ داد: "همه اشیاء عالم وجود در زمین و آسمانها از جانب خداوند متعال ماموریت دارند، که بر حسب فرمان او، عمل کنند، کلام گفت: ماموریت این است که حق را به قلب های سلیم وارد کنم، اگر چه دشمن انسان دارد از من استفاده میکند، اینرا باید بدانی که تنها ابزار رساندن کلام از راه خنجره

ودهان و زبان نیست ، برای همین است که معنی کلمه بمعنی چیزی نهان هست که از پنهان خبر میدهد ( تا مرد سخن نگفته باشد ، عیب و هنرش نهفته باشد)، حروف کلمه میسازند و الفاظ (یا مترادف آن که درای معنی های دیگری هستند مثل نوع تلفظ ؛ اصطلاح و یا حالت بیان مطلب) با کمک کلمات بیاری کلام می آید و سخن گو و یا هر ابزار و دستگاه دیگر، آن را منتشر میکند ، بنابراین کل هستی از کلمات ساخته شده است که معارف پنهان این هستی را نشان میدهد و فراوانی و چگالی آن معرف اندازه علم و معرفت است و میتواند به صور گوناگون از طریق اشیاء مختلف به راهنمایی و آزمون انسان بپردازد و ما با درون انسانها، از طریق مختلف در ارتباط هستیم ، ما بنا به ماموریت از جانب ذات هستی که بنیانگذار این هستی است ، ایفای نقش میکنیم ، تا کسانی از نعمت بینائی ، شنوائی و غیره محروم هستند از کار این جریان هستی باز نمانند.“

Speech replied:” All objects of the universe their mission from God in the sky and in the earth, which according to his command act” next speech said:” Mission is that we bring righteous matter into peaceable hearts of people, although he be an enemy of human, It, you should know that isn't the only means of getting the word via dagger, mouth and tongue and That's why the meaning of “word” is cache the hidden announced (for example: until the man is not saying , be hidden his art and defect) , letters makes word and a synonym is a word or expression which means the same as another word or expression , pronunciations help to speech and speaker or any tools and another system get publishes it, therefore, all existences have made from “words” these are shows that hidden educations and Frequency or density of these educations are represents the size of the science and knowledge those are huge guidenesses for humankind and we are related by inner of humans via diversity ways , we have mission about this matter of the universe who is founder of the universe , those who deprived from gift of sight, hearing and so on , till they do not stop of caravan related to process of current –being”

در حالی که قلبم به شدت میطپید، گفتم: "پس سکوت چی ، مسئله سکوت بعضی آدم ها چیست؟"

While my heart is extremely palpitated, I said:” so what's silence, what some people's silence of anyone?”

هر دوی آنها آه سردی کشیدند!! و کلام گفت: "هر آدم احمقی خیلی حرف میزند ولی بیهوده و آدم های خردمند ، برای جمع خرد مندان زبان به سخن می گشایند و گرنه ساکت هستند و با هوشیاری شاهد و ناظر اوضاع جهان میباشند، چون سخنان او را فقط اهل حقیقت می فهمند ، تا روزی که پروانه های عاشق در گراگرد شمع های سوزان و اشک ریزان حق و حقیقت، جان به جان آفرین تسلیم میکنند و سونامی و آشوب قیام میکنند تا نابودکنند آنچه نباید باشد ، این سکوت و حشمتناک میشکند و خردمند آغاز به سخن خواهد کرد ،



چرا که آتشی زیر خاکستر نخواهد ماند و هر آرامش مستانه قبل از طوفان است و معلوم میشود که ظلم و تعدی در جهان امروز پایدار نخواهد بود"

Both of which were cold Ah! And speech said:" any foolish man very talks but vain and wise men get open tongue to speech for total wises and they be otherwise silent but they are seeing and witness the world's situations whit alertness, because its speech understand the true people only until the day that butterflies lowers are surrendering their lives to its creator around burning and tearful candles for right and truthfulness then their rebellion as tsunami and attraction's chaos will destroy what shouldn't be ,so, this terrible silence breaks and wise begun will speak, because a fire under the ashes will be ever and the calm before the storm is intoxicated and will be defined that not sustainable injustice and encroachment in the world at present age"

من گفتم : " سخن حق برای من روشن نشد ، بیشتر راهنمایی کن "

"The truth speech was not clear to me, more guides"

کلمه گفت: "سراسر این نظام هستی از کلمات است که بخش کوچکی از کلمات آفریده خداوند متعال است و هرگاه دانش انسان افزایش یابد ، فراوانی این کلمات بیشتر میشود ، ولی ما بدنیا آن هستیم که جوهر و حقیقت کلمه با قلبت ، با عقلت ، با جانت ، با ضمیر باطنت ، با حُسن نیت ات ، با قصد خیرت و نظایر اینها پیوند بخورد ، آنگاه از کلمه و کلام درک هائی میکنی که خیر خواه مردم جهان شوی ، این همان سخن حق است و شک نکن که حق و حقیقت را بر میتابد و مفید بحال همه مردم است و ما در پرتوی این حقیقت ماموریت داریم و با حقیقت می توانیم انسان ها به مقام اعلاء برسانیم و یا آنها را رسوای خاص و عام کنیم ، اینست قدرت شنوائی ، بینائی و سخنوری جهان هستی و جهان رها شده و عبث نیست!"

"Over of this universe are as words, that is a small portion of words those it has created whit exalted Allah (God) and if a man of knowledge increases so, will increase density of words, but we're looking for that be grafted these truth speech whit your heart, with mind, spirit, your Good willing, With the your blessing intention and such these, then understood by you from words and speeches be benevolent people of the world labeling , this that truth speech identically no doubt be right to the truth shines and be usefulness unto all people and We have in light of the fact mission and with truth can we the position of humanity's honorable position and or expose them to become especial and publicly disgraced , this is the power of hearing, dramatics translates vision of the universe and the world not unbound and vain !!!'

من سوال کردم: "به چی تعلق دارید؟"

I ask them: "What belongs to you?"

کلام گفت: "ما همه به جریان حقیقی هستی در کائنات و به جریان تکوینی در طبیعتی که برایمان تدارک شده است تعلق داریم و همه ما با زبان تکوینی سخن میگوئیم ، ما میتوانیم معرفت خود را به آنجا برسانیم که در مقابل هیچ شیئی ، حالت بی عقلی ، کوری ، کوری و گنگی نداشته باشیم ، سراسر جهان صدای حق است ولی کدام گوش میشنود ، برای آدم کور دل ، دنیا پرست ، ظالم و خود پسند ، جهان صامت است ، چرا که او محرم راز نیست ، در نظام تکوینی و نظام احسن ، حتی کلمه شیطان نیز از کلمات مقدس است و خیر و برکت دارد ، تا "شیطان" نباشد و وسوسه نکند ، جهاد اکبری نخواهد بود ، شهیدی بوجود نیاید و کمال و سعادت نصیب انسان نمی شود ، همانطور که "رنج " و "کار و تلاش " و هزاران کلمات و کلام دیگر ، مایه سعادت بشر هستند تا تو چه باشی ، خدائی یا شیطانی ! ، این انتخاب ما است و این آزمون ما"

"We all belong to truth current of life in the universe and bringing into existence's current that nature has been provided to us and we all speak whit bringing into existence's language, we can raise our knowledge because that we don't have State of lack of wisdom, blindness, deafness and dumbness In contrast, no object , the sound is right around the world but what the ear hears, so, the world is silent for the blind heart, worldly-minded, ruthless self-friendly no doubt , Because he isn't confidant, in The best system of bringing into existence even the word of Satan is sacred and there have benefit and blessing, till "Satan" is not be and it doesn't satanic temptation so, the greater jihad will not be at all, any martre isn't expressed and giving of prosperity is not human perfection never, as "suffering" and "work effort" and thousands of words and other speeches be Cause of human happiness, till what you be? Divinity or satanic! This is our choice and this is our test!!!" speech said.

---

16. به چی میخندی پس؟! ( What are you laughing so ?! )

17. The singer, also the song either

18. Who is guilty about poverty in the world ?

1. به چی میخندی پس؟! ( What are you laughing so!?)  
 هیچ با دنیای حاضر آشنا هستی؟! ( None of the present world, are you acquainted it?)  
 آیا خبر ها را میشنوی؟! ( Did you hear news?)  
 چه اتفاقی افتاده است؟! ( What has happened?)  
 خیلی ها با هم حرف می زنند ( Much of people talk together )  
 خیلی ها ساکت هستند ( Many are silent )  
 بعضی ها گریه می کنند ( Some cry )  
 عده ای می خندند ( Some laugh )  
 بعضی های هوشیارانه خبر ها را دنبال می کنند ( Some follow the news conscious )  
 بعضی ها خواب هستند ( some sleep )  
 بعضی همیشه بیدار هستند ( some awake ever )  
 سراسر دنیا کشت و کشتار است ( The world is killing over )  
 جای تو امن است؟! ( you get instead are?)  
 زیاد مطمئن نباش ( Do not be so sure )  
 شاید همین فردا ، کنارت یک بمب منفجر شود ( perhaps this tomorrow , Beside you a bomb )  
 ( explode )  
 به چی میخندی پس؟! ( What are you laughing so?! )  
 خبر بزرگ در راه است ( The great news is on the way )  
 مردم از همدیگر سوال میکنند ( People ask each other )  
 چالش و اختلاف زیاد شده ( There are differences Challenge so much )  
 دوست و دشمن به جان هم افتادند ( some also fell of fried and enemy )  
 این زمین برای چی است؟! ( Why is the earth ? )

وظیفه تو در روی زمین چیست؟ (What is your mission on earth)

آیا همه خواهیم مُرد؟ ( Shall we die all? )

پس چرا از رفتن خود بی خبر هستیم؟ ( So. Why are unaware of their loss )

به چی میخندی پس؟! ( What are you laughing so?! )

چه کسانی پیروز هستند؟ ( some victor )

چه کسانی باختند؟ ( some lost )

اندیشمندان در چه فکری هستند ( what do think wises )

این آشوب با آشوب های دیگر تاریخ فرق میکند ( this chaos is differs by another chaos in )

( history

همه جا تظاهرات است ( every where the protests)

نفرین می کنند ( curse they )

مردم خدا را می خوانند ( people call Allah )

عده ای با شیطان می رقصند ( some dance whit Satan)

آنهائی که باشیطان میرقصند هر روز آدم می کشند ( those whoever dance whit Satan kill )

( people every day

به چی می خندی پس؟! ( What are you laughing so?! )

روز در حال غروب است ( the day become to sunset )

مردم سوی خانه اشان میروند ( the people go through their home )

بعضی ها خانه ندارند ( some no have home )

عده ای غذا ندارند ( some no have food )

بعضی ها پابرهنه هستند ( Some are barefoot )

بعضی های کفش 100 هزار دلاری می پوشند ( some wear shoes as 100 housed \$ )

به چی میخندی پس؟! ( What are you laughing so?! )

شب فرا رسیده است ( Night has come )

بعضی ها میترسند ( some be afraid )

بعضی های می رقصند ( some dance )

عده ای شراب می خورند ( Some drink wine )

عده ای نمی توانند بخوابند و فکر میکنند ( some cannot sleep and is thinking )

هر کسی از این وضع سردر نمیآورد ( Each one of these conditions not Help )

به چی میخندی پس؟! ( What are you laughing so?! )

ولی خبر های درست است ( but the news is correct )

خبر بزرگ چیست؟! (What great news ? )

تو از خبر بزرگ چه میدانی؟! (What do you know? of great news?)

به چی میخندی پس؟! ( What are you laughing so?! )

هنگام جدایی فرا رسیده است. هر کس به راه خود می رود، ما می میرم و شما زنده می مانید. تنها خدا می داند کدام بهتر است؟

The hour of departure has arrived, and we go our ways I to die and you to live.

Which is the better, only God knows?

Mahmoud saneipour

6/26/2017

2. The singer, also the song either

نالہ از انسان ہرگز نمی گردد جدا ، با حلقوم دارد آشنا

گفت: نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ حلق مامور شد تا بگوید، از آن مجید

استخوانی که در نالہ ہا، گلوبیشتر درید کہ استخوان مانده ، سالہا در گلو

غم وانسان آمیختہ ، از یک گوہرند آواز ، نالہ آواز خوان ، یک پیکرند

نالہ از انسان ، ہرگز نی گردد ،سوا نالہ محمود از گلویش ،نمیگردد جدا

نالہ ہم درد است ، ہم انسان را دوا

چونکہ حلقوم بشر ، با نالہ دارد آشنا

**In the name of Allah the revenger**

3. **Who is guilty about poverty in the world?**

**Analyzing from Mahmoud saneipour (this linr from saneipour)**

**Western Guilt & Third World Poverty**

The feeling of guilt has aptly been termed one of America's few remaining surplus commodities. Ubiquitous and repeated allegations that...

/ JAN. 1, 1976P. T. BAUER

Come; fix upon me that accusing eye. I thirst for accusation.

**Dr. Murugesan Ramalingam, PhD**

**Director, Crescendo Consulting India**

Food wasters should be punished with due deterrence, no matter who on Earth! ☺

Gratis for share: Virgil Neacsu

